در آستانه روز جهانی آلزایمر مطرح شد

# هزینه‌های مراقبت؛ فراتر از توان خانواده‌ها

آلزایمر معمولا با اختلال در خاطرات کوتاه‌مدت، فراموش کردن آدرس‌ها و اسم‌ها آغاز می‌شود، سپس فرد حتی راه بازگشت به خانه خود را فراموش می‌کند و به‌تدریج دامنه آن گسترش می‌یابد تا جایی که علاوه بر بیمار، خانواده و اجتماع را نیز درگیر می‌کند.

بروز کژتابی‌هایی در رابطه با نزدیکان، خشم و بی‌اعتمادی و احساس بیگانگی از بیماری آلزایمر است. کم کم حافظه بلندمدت شخص هم از بین می‌رود و او دیگر نمی‌تواند رویدادهای زندگی‌اش و حتی عزیزانش را به یاد بیاورد. چیزها معنای خود را از دست می‌دهند، دایره واژگانی فرد تحلیل می‌رود، ارتباطات اجتماعی فقیر می‌شوند و سرانجام رشته‌ای که فرد را به جامعه پیوند می‌دهد می‌گسلد.

ایران ما از اندک کشورهای درحال توسعه جهان است که جمعیت آن رو به سالخوردگی می‌رود. گفته می‌شود که یک درصد افراد بالای ۶۰ سال، ۱۰ درصد افراد بالای ۷۰ سال و ۲۰ درصد افراد بالای ۸۰ سال به زوال مغز، نسیان و آلزایمر مبتلا می‌شوند. کم‌تحرکی فکری و بدنی، مصرف دخانیات و ابتلا به بیماری اعتیاد، فشارخون و قند خون زمینه برای ابتلا به آلزایمر را فراهم می‌کند.

تحقیقات و آمارهای اخیر نشان می‌دهد که زنان بیش از مردان در معرض ابتلا به بیماری آلزایمر قرار دارند، به گونه‌ای که دوسوم مبتلایان را زنان تشکیل می‌دهند. کارشناسان معتقدند که تغییرات هورمونی، به‌ویژه کاهش زود هنگام استروژن ناشی از یائسگی زودرس یا جراحی‌های برداشتن رحم می‌تواند در بروز این آسیب‌پذیری نقشی کلیدی ایفا کند. آنچه براهمیت توجه به علائم غیرمعمول ضعیف شدن حافظه و پیگیری پزشکی به‌ویژه در زنان تأکید می‌کند.

**از تغییر محسوس در خلق و خو تا کناره‌گیری از زندگی اجتماعی**

دکتر مهدی زارع، متخصص مغز و اعصاب بابیان عبارت پیش گفته، نشانه‌ها و علائم اولیه بیماری آلزایمر را این گونه تشریح می‌کند: «ممکن است صبح هنگام رفتن به محل کار فراموش کنیم ساک یا ظرف ناهار، یا کلید خانه یا حتی تلفن همراه را با خود ببریم یا قبض برق را پرداخت کنیم. این موارد می‌تواند خیلی جدی نباشد، چرا که با بالا رفتن سن، فراموش کاری در سطحی کم تا حدودی طبیعی است، اما اگر این افت حافظه شبیه فراموشی‌های معمول ناشی از افزایش سن نباشد و به طور مداوم اتفاق بیفتد، موضوع نگران کننده می‌شود و برای زنان، اهمیت بیشتری هم دارد. فرض کنید می‌خواهید در کافه همیشگی قهوه سفارش بدهید اما ناگهان اسم فروشنده‌ای را که پنج روز در هفته از او قهوه می‌گیرید، فراموش می‌کنید. این معمولا نگران کننده نیست، چون با افزایش سن، سرعت فکر کردن و به خاطر آوردن اسامی کاهش می‌یابد. در حالی که فراموشی مرتبط با آلزایمر فراتر از این است.»

این متخصص توضیح می‌دهد: «در این جا منظور فراموش کردن رویدادهای مهم یا حتی از یاد بردن کامل چند روز است؛ مثل اینکه اصلا به خاطر نیاورید به تعطیلات رفته‌اید یا در جشن تولد نوه‌تان بوده‌اید. گم کردن مکرر وسایل در جاهای نامعمول (مثل گذاشتن کلید ماشین در یخچال) یا ندانستن روز و ماه، هم می‌تواند یک نشانه باشد. همچنین اگر برای یادآوری امور به شکل غیرعادی به یادداشت برداری یا تکرار متکی شده‌اید، حتما لازم است به پزشک مراجعه کنید.

دکتر زارع می‌گوید: «مغز ما برای اینکه بتواند زندگی روزمره را به خوبی پیش ببرد، باید اطلاعات زیادی را پردازش کند، اما زوال عقل که در مراحل اولیه آلزایمر رخ می‌دهد، می‌تواند این روند را مختل کند؛ به طوری که حتی انتخاب چیزی برای ناهار هم به کاری گیج کننده و دشوار تبدیل می‌شود. علاوه بر این، براساس گزارش انجمن آلزایمر، افراد در مراحل ابتدایی بیماری ممکن است نشانه‌های دیگری از افت کارکرد شناختی بروز دهند. مثلا نتوانند دستورالعمل‌های ساده را دنبال کنند، مرتکب اشتباهات مالی جدی شوند (مثل پرداخت دوباره قبوض یا فراموش کردن مبلغ‌ها) یا حتی در رعایت بهداشت و نظافت شخصی مشکل پیدا کنند.»

این پزشک تأکید می‌کند: «اگر فردی که قبلا در هر جمعی در کانون توجه مهمانی‌ها بوده، حالا بیشتر اوقات ترجیح می‌دهد در خانه بماند و از دورهمی‌ها دوری کند، این ممکن است ناشی از کاهش طبیعی سطح انرژی با افزایش سن باشد اما می‌تواند یک علامت هشداردهنده زودهنگام برای آلزایمر هم باشد. وقتی زوال عقل باعث می‌شود به خاطر آوردن قرارها، شرکت در گفت‌وگوها یا تعامل کامل در رویدادهای اجتماعی دشوار شود و بسیاری از افراد به‌تدریج از این فعالیت‌ها کناره‌می‌گیرند. گاهی این مسئله می‌تواند نشانه افسردگی هم باشد (که آن را نیز نباید نادیده گرفت)، اما در هر صورت، اگر رفتار فرد به نظر غیرعادی می‌آید، مهم است که موضوع جدی گرفته و از متخصصان کمک خواسته شود.»

از منظر علمی، بروز رفتارهایی که با شخصیت پیشین فرد ناسازگار است، می‌تواند زنگ خطر مهمی باشد. به گفته دکتر زارع، این تغییرات در مراحل ابتدایی بیماری کمتر شایع‌اند، ولی به‌وضوح دیده می‌شوند. او توضیح می‌دهد: «مثلا فردی که همواره مرز میان درست و نادرست را به خوبی می‌شناخت، ناگهان توانایی مهار تکانه‌ها و رفتارهای نابه‌جا را از دست می‌دهد و کارهایی می‌کند که پیش‌تر هرگز انجام نمی‌داد. این تغییرات شخصیتی می‌توانند به صورت نوسان‌های خلقی شدید، افزایش سوءظن به اطرافیان و بروز رفتارهای پرخاشگرانه نمایان شوند. چنین تحولاتی که از اختلال در کارکرد مناطق خاصی از مغز (مانند لوب فرونتال) ناشی می‌شوند، به‌توجه و مداخله پزشکی به موقع نیاز دارند.»

**خانواده‌های دارای بیمار آلزایمر، با مشکلات متعددی دست به گریبان‌اند**

«هر هفت دقیقه یک نفر در ایران به آلزایمر مبتلا می‌شود.» این آمار هشداری از سوی سرور ادوانی، متخصص مغز و اعصاب و عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی است که می‌گوید: شیوع این بیماری در میان افراد بالای ۶۰ سال حدود ۸ درصد است و هزینه درمان بیماران آلزایمری سه برابر بیشتر از دیگر بیماران برآورد می‌شود.

کارشناسان حوزه سلامت پیوسته تأکید می‌کنند که خانواده‌های دارای بیمار آلزایمر، با مشکلات متعددی دست به گریبان‌اند؛ از دشواری‌های توان فرسای نگهداری تا هزینه سنگین درمان و نرخ گران دارو. حتی در فرآیند تشخیص نیز فشار مالی شدیدی بر خانواده‌ها تحمیل می‌شود و این در حالی است که طی سه دهه آینده شمار سالمندان کشور نزدیک به سه برابر خواهد شد و مطابق تأکیدات پزشکان، افراد سالمند باید تحت پوشش غربالگری‌های منظم باشند تا زمینه پیشگیری و شناسایی زودهنگام بیماری افزایش یابد. در این صورت ازسرعت پیشرفت بیماری کاسته خواهد شد، اما هزینه‌های گزاف خدمات پزشکی و فقدان پوشش‌های فراگیر بیمه تکمیلی این امکان را از بسیاری از خانواده‌ها سلب کرده است. بنابراین کارشناسان هشدار می‌دهند که اگر از برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری جدی غفلت شود، در آینده این بیماری می‌تواند نه‌تنها حوزه درمان، که نظام رفاهی و اجتماعی و نهاد خانواده‌های درگیر با این مسئله را نیز تهدید کند.

پدر پونه سه سال است که دچار آلزایمر شده و او شاهد زوال تدریجی حافظه و توانایی پدرش است. این بیماری و مشکلات و محدودیت‌های ناشی از آن مراقبت دائمی از بیمار را ضروری می‌کند. او می‌گوید: مراقبت از بیماران آلزایمری در مراحل پیشرفته بیماری، بسیار دشوار است و فرد در این مرحله نیازمند مراقبت مستمر و شبانه‌روزی است. اما با توجه به اینکه اعضای خانواده فرصتی برای رسیدگی تمام‌وقت ندارند، مجبورند از پرستار نیمه‌وقت یا تمام‌وقت کمک بگیرند و طبیعتا هزینه‌های سنگین پرستاری در کنار نبود پوشش بیمه‌ای، بارمالی تحمل ناپذیری بر دوش خانواده‌ها می‌گذارد و این مسئله به دلیل نبود حمایت‌های دولتی پیامدهای اقتصادی جدی به همراه دارد.

خانواده پونه به لحاظ اقتصادی توانی برای استخدام پرستار ندارند و او به عنوان فرزند آخر خانواده، وقت بیشتری را با پدر می‌گذراند و در اثر نزدیکی و مراقبت دائم، بیشتر در واکنش‌های عاطفی و رفتارهای او دقیق می‌شود و به یک معنا گذشته خودش با او را مرور می‌کند.

او در محیط خانوادگی که در آن پرورش یافته، در موقعیت اجتماعی پدرش در شهری که هشتاد سال در آن زندگی کرده و در نحوه ارتباطات پدرش با دیگران تأمل می‌کند. به دلیل جدایی مادر و پدرش از هم شالوده خانواده از هم گسیخته و حالا بیماری آلزایمر سبب می‌شود که روابط خانوادگی جان تازه‌ای بگیرد؛ خواهران و برادران و وابستگان نزدیک و حتی مادرش از نو دور هم گرد هم جمع شده و مناسبات خانوادگی بهبود پیدا کرده است.

پونه می‌گوید: «پیشرفت بیماری آلزایمر روندی تدریجی و مخرب دارد. این بیماری مثل نگریستن به تصویری است که به‌تدریج محو می‌شود و خطوط و مرزبندی‌ها از بین می‌روند. آنگاه گذشته و خاطرات و پیشینه انسان درپس صفحه‌ای مات ناپدید می‌شود. با این حال لحظات و گاهی ساعت‌هایی هم وجود دارند که همه چیز سرجای خودش قرار می‌گیرد. در این لحظات کمیاب هوشیاری فرد به طور کامل بازمی‌گردد. دقایقی هم وجود دارند که بیمار از موقعیتش آگاه است و می‌توان آنچه درگذشته اتفاق افتاده را در پاسخ‌ها یا واکنش‌های او بازیافت.»

خانواده زهره مستأصل و درمانده‌اند. یک خانواده هفت نفره که پدر و مادرشان بیش از چهل سال در کمال آرامش و احترام در کنار هم زیسته‌اند. حالا پدر خانواده دچار خشونت در رفتار و کلام شده به‌ویژه نسبت به همسرش. زهره فرزند کوچک خانواده است که در طول سال‌های گذشته جز احترام و صمیمیت در رفتار پدر و مادرش ندیده. او می‌گوید: همه این سال‌ها در اوج صفا و صلح با هم زندگی کردند. هیچ‌وقت به خاطر ندارم به هم توهین کرده باشند. البته هنوز هم مادرم همان رفتار را دارد اما پدرم به شدت خشن و پرخاشگر شده و حتی دو بار دستش را برای زدن مادرم بلند کرده که من آنجا بودم و با فریادم به خودش آمد. چندین بار از مادرم پرسیده‌ام و می‌گوید هیچ اتفاقی نیفتاده که از ما پنهان کرده باشند و باعث اختلافشان شود. پدرم هم بعد از این رویدادها هیچ به روی خودش نمی‌آورد و همه چیز بین‌شان عادی می‌شود.

متخصصان مغز و اعصاب به زهره گفته‌اند، پدر او به علائم فراموشی یا بیماری آلزایمر دچار شده است. با بالا رفتن سن، سلول‌های مغز به‌تدریج کم‌کار و کوچک شده و این اتفاق منجر به بروز عوارضی می‌شود که شناخته شده‌ترین آن فراموش کردن و اختلال در به یادآوردن بدیهی‌ترین چیزها مانند اسم، آدرس و یا کارهای روزانه است.

زهره می‌گوید، پزشکان تأکید کرده‌اند درجه بعدی فراموشی، خودش را با اختلال درتکلم یا تأخیر در استفاده صحیح از کلمات نشان می‌دهد و در نهایت به نقطه‌ای می‌رسد که فرد شناخت صحیح از مکان و زمان ندارد. این مرحله زمانی است که ممکن است فرد حتی در خیابان گم شود یا رفتار و گفتاری نسنجیده و متفاوت از آنچه تا اکنون از او سرزده انجام بدهد. رفتار مضطربانه یا توهمات، پرخاشگری و عصبانیت بی‌دلیل یکی از علائمی است که در این مرحله از بیماری رخ خواهد داد و اگر اطرافیان شخص مبتلا از بیماری وی آگاه نباشند ممکن است دچار سوء برداشت شده و خشم و عصبانیت او را نا شی از مسائل دیگری تلقی کنند.

**خبری از ارائه حمایت‌های اجتماعی نیست**

مادر سودابه هم به آلزایمر مبتلا شده و روز به روز وضعیتش بدتر می‌شود. سودابه می‌گوید: مادرم از پنج سال قبل دچار فراموشی شده، اوایل نگهداری از او راحت‌تر بود ولی در یک سال اخیر هر روز حالش روبه وخامت می‌رود، طوری که من و برادرم را نمی‌شناسد. تصور می‌کند بچه‌هایش هنوز در گهواره‌اند و احساس می‌کند که هنوز زنی جوان است. اغلب خود را متعلق به یک دوره خاص از زندگی و یک سری خاطرات محدود اما به شدت ماندگار می‌داند و با همان خاطرات زندگی می‌کند. دوست دارد دائما از منزل خارج شود و وقتی به او اجازه نمی‌دهیم عصبانی می‌شود. دیگر از پس کارهای معمولی مانند دستشویی رفتن و غذا خوردن و انجام کارهای شخصی‌اش برنمی‌آید و نگهداری از او روز به روز سخت‌تر می‌شود.

سودابه می‌گوید: نگهداری از بیماران مبتلا به آلزایمر بسیار طاقت‌فرساست و معمولا به افسردگی و ناامیدی، خستگی جسمانی و فرسودگی روانی اعضای خانواده منجر می‌شود. همین مسئله ضرورت ارائه حمایت‌های اجتماعی برای خانواده‌های دارای عضو آلزایمر را دوچندان می‌کند اما خبری از حمایت نیست!

سودابه به این نکته هم اشاره می‌کند که آن‌ها به دلیل مشکلات اقتصادی قادر به استخدام پرستار نیستند: ما در سایه نبود کمک‌های دولتی، بار سنگین مراقبت را خودمان به دوش می‌کشیم. هزینه نگهداری از مادرم به طور میانگین ماهانه ۱۵ میلیون تومان است، رقمی که همه نیازهای مرتبط با مراقبت و درمان را پوشش نمی‌دهد. قبلا کارمند مخابرات بودم اما چون هزینه به کارگیری پرستار سنگین است، مجبور به استعفا شدم تا خودم از مادرم مراقبت کنم. اگر قرار بود پرستار کارهای مادرم را انجام بدهد، هزینه نگهداری از او ماهانه به جای دستکم ۱۵ میلیون به ۴۰ تا ۵۰ میلیون تومان می‌رسید و پرداخت این مبلغ واقعا از توانم خارج است!

مریم ۶۹ ساله یکی دیگر از مبتلایان به آلزایمر است که در مراحل اولیه این بیماری قرار دارد، ۱۰ سالی از مرگ همسرش می‌گذرد، بعد از آنکه فرزندانش متوجه بیماری او شدند و خواستند که با آن‌ها زندگی کند، زیرا برنرفت و دوست ندارد که فرزندانش هم با او زندگی کنند.

پری یکی از دختران مریم می‌گوید: او زندگی در تنهایی را می‌خواهد ولی تنها زندگی کردن برای کسی که به آلزایمر مبتلاست کار آسانی نیست. بعضی اوقات یادش می‌رود شیرگاز را ببندد و کلیدها را گم می‌کند.

احمد ۸۰ ساله هم مدتی است که به آلزایمر مبتلا شده. محسن نوه بزرگ او می‌گوید: «پدربزرگم خیلی بی‌اعتماد شده و مدام از دزدیده شدن وسایلش شکایت دارد. دائم باید یک نفر حواسش به او باشد وگرنه شروع به دعوا و مرافعه با همسایه‌ها می‌کند و می‌گوید آن‌ها وسایلم را برداشته‌اند. نسبت به همه چیز اعتمادش را از دست داده و احساس امنیت ندارد. گاهی اوقات می‌گوید که می‌خواهند مرا بکشند.» محسن می‌گوید: «بیماری او اوایل از فراموش کردن چیزهای کوچک شروع شد ولی الان وضعیتش خیلی بدتر شده، یک حرف را چند بار تکرار می‌کند و خیلی وقت‌ها افراد را با یکدیگر اشتباه می‌گیرد. مدام سراغ مادربزرگم که ۱۵ سال قبل فوت کرده است را می‌گیرد، یا فراموش می‌کند که نیم ساعت قبل غذا خورده است و اگر مانع از غذا خوردن چند باره‌اش شویم عصبانی می‌شود. در خانه ماندن را دوست ندارد و می‌خواهد همیشه بیرون باشد و وقتی هم که بیرون می‌رود دائما با مردم دعوا می‌کند.

در این میان حسین مهدوی نیز در قامت عصب‌شناس در مواجه با این بیماران، با یک سری نکات ویژه برخورد کرده است: «مثلا یک نکته جالبی که در برخورد با آن‌ها توجهم را جلب کرد، این بود که هیچ‌کدام سن واقعی خود را قبول نداشتند و خودشان را در همان سن و سالی می‌دیدند که برایشان بهترین خاطرات و روشن‌ترین زمان زندگی بوده است. از یک خانم ۸۰ ساله پرسیدم چندساله‌ای؟ گفت من ۱۴ ساله‌ام. من همان لحظه حس کردم او در سن ۱۴ سالگی روزگار روشن، دل‌پذیر و به‌یادماندنی داشته است. آن‌ها پیری و گذر زمان را باور نمی‌کنند.»

او می‌گوید در مواجهه با این موضوع، هر روز صبح وقتی بیدار می‌شده، از خودش سؤال می‌کرده است اگر من آلزایمر گرفتم، بخش روشنی که به خاطرم می‌ماند، کجاست: «یک جور مواجهه با خویشتن درونتان است. از خودتان می‌پرسید اگر خواستم همه چیزم را، حتی اسم خود را از خاطر ببرم و تمام دارایی‌ام بشود چند خاطره روشن که مثل یک چمدان کوچک همه جا با خودم حمل می‌کنم آن‌ها کدام یک از برش‌های زندگی من خواهند بود؟ آن‌ها به نظرم متفاوت‌تر از بیماران دیگرند چون تصاویر و خیال‌های بسیار زیبایی را با خودشان می‌کشانند به عالم واقع و در مورد آن‌ها حرف می‌زنند.»

**لزوم ایجاد مراکز تخصصی نگهداری و پرستاری از بیماران آلزایمری**

این عصب‌شناس در ادامه گوشزد می‌کند که مشکل بیماران آلزایمری گسترده‌تر از آن چیزی است که به نظر می‌آید و فقط مربوط به خودشان نیست بلکه خانواده و اجتماع را هم درگیر می‌کند. با پیشرفت این بیماری، مشکلات زیادی برای فرد و خانواده ایجاد می‌شود و به مرور حتی ممکن است رفتارهای خطرآفرین از بیمار سربزند و چون نمی‌تواند از عهده زندگی روزمره خود برآید ناگزیر به پرستارانی نیاز پیدا می‌کند که از او مراقبت کنند. نگهداری از این بیماران به حمایت‌های دولتی نیاز دارد چرا که مراقبت طولانی مدت از بیماران آلزایمری که شرایطی سخت دارند برای خانواده‌های آن‌ها دشوار و طاقت فرساست.

این عصب‌شناس تصریح می‌کند که به دلیل هزینه‌های بالای خدمات پرستاری و نبود پوشش‌های فراگیر بیمه تکمیلی امکان استخدام پرستار برای بسیاری از خانواده‌ها فراهم نیست. بنابراین بعضی از اعضای خانواده که سالیان دراز و بدون هیچ حمایتی از بیماران آلزایمری دارای شرایط سخت نگهداری می‌کنند بعد از مدتی خودشان هم بیمار می‌شوند. استرس مزمن مراقبت از بیماران باعث می‌شود آن‌ها به سندروم مراقبان؛ که افسردگی همراه با خشونت است دچار شوند.

او خاطرنشان می‌کند: بر پایه آمارهای ارائه شده، شمار مبتلایان به آلزایمر در ایران بین ۵۰۰ تا ۸۰۰ هزار نفر است و با توجه به دگرگونی سریع جمعیتی، بیش از هر زمان دیگری به ایجاد مراکز تخصصی نگهداری و پرستاری از بیماران آلزایمر نیاز است. در این مراکز می‌توان خدمات مراقبتی را با هزینه‌ای معقول و منطقی و مبتنی بر توان اقتصادی خانواده‌ها ارائه کرد. هم اینک، تعداد مراکز تخصصی کافی نیست و هزینه دریافتی از سوی این مراکز بسیار بالاست، به همین علت بیشتر خانواده‌ها بار سنگین مراقبت را به تنهایی متحمل می‌شوند.

آگهی تغییرات شرکت سهامی خاص توسعه املاک و ساختمان امیر به شناسه ملی ۱۴۰۱۰۱۵۹۰۷۰ و به شماره ثبت ۵۸۰۸۵۱ به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۴۰۴/۰۵/۲۱ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: شرکت گروه صنعتی و معدنی امیر به شناسه ملی ۱۰۱۰۰۷۴۷۰۷۷ و به نمایندگی حامد فقرائی به شماره ملی ۰۰۸۴۲۰۳۴۳۹ به سمت عضو اصلی هیئت مدیره و به سمت رئیس هیئت مدیره تا تاریخ ۱۴۰۵/۱۲/۰۵ شرکت تابان کیش به شناسه ملی ۱۰۸۶۱۳۹۴۱۸۹ و به نمایندگی محمد رضانژاد به شماره ملی ۴۹۰۰۰۹۲۸۹۴ به سمت عضو اصلی هیئت مدیره تا تاریخ ۱۴۰۵/۱۲/۰۵ شرکت کاوان کیش به شناسه ملی ۱۰۸۶۱۳۹۴۲۵۲ و به نمایندگی پگاه معتمدی به شماره ملی ۰۴۵۳۵۶۴۴۳۷ به سمت عضو اصلی هیئت مدیره و به سمت مدیرعامل تا تاریخ ۱۴۰۵/۱۲/۰۵ و به سمت نایب رئیس هیئت مدیره تا تاریخ تا تاریخ ۱۴۰۵/۱۲/۰۵ انتخاب گردیدند. کلیه اسناد و اوراق بهادار بانکی از قبیل چک، سفته، برات و عقود قراردادهای اسلامی با امضاء دو عضو از اعضای هیئت مدیره به همراه مهر شرکت معتبر خواهد بود و سایر نامه‌ها و مکاتبات اداری منفرداً با امضای مدیرعامل یا یکی از اعضای هیئت مدیره به همراه مهر شرکت معتبر می‌باشد. هیات مدیره اختیارات خود از ماده ۴۱ اساسنامه به شرح بندهای ۱الی ۴، ۶الی ۱۱، ۱۳الی ۱۵ و ۱۷الی ۲۰ را به مدیرعامل تفویض نمودند اختیارات هیئت مدیره به شرح ذیل به مدیرعامل تفویض گردید کلیه اسناد و اوراق بهادار بانکی از قبیل چک، سفته، برات و عقود قراردادهای اسلامی با امضاء دو عضو از اعضای هیات مدیره به همراه مهر شرکت معتبر خواهد بود و سایر نامه‌ها و مکاتبات اداری منفرداً با امضای مدیرعامل یا یکی از اعضای هیات مدیره به همراه مهر شرکت معتبر می‌باشد. اختیارات هیئت مدیره از ماده ۴۱ اساسنامه به شرح بندهای ۱الی ۴، ۶الی ۱۱، ۱۳الی ۱۵ و ۱۷الی ۲۰ را به مدیرعامل تفویض نمودند سازمان ثبت اسناد و املاک کشور اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیر تجاری تهران (۲۰۰۱۰۰۵)

آگهی تغییرات شرکت سهامی خاص صنعتی آراسته معدن به شناسه ملی ۱۰۱۰۱۸۸۵۹۹۰ و به شماره ثبت ۱۴۵۶۷۳ به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۴۰۴/۰۵/۱۳ تصمیمات ذیل اتخاذ شد محل شرکت به آدرس استان تهران، شهرستان تهران، بخش مرکزی، شهر تهران، امانیه، خیابان شهید دفیض اله عاطفی، خیابان مهرداد، پلاک ۱، طبقه ۱، واحد شمالی به کد پستی: ۱۹۶۷۹۶۳۱۱۶ تغییر یافت. سازمان ثبت اسناد و املاک کشور اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیر تجاری تهران (۲۰۰۱۰۱۳)

## هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۲۶۰۰۵۰۰۹۹۷۸ مورخه ۱۴۰۴/۵/۲۲ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی ملک نهاوند تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی پرونده کلاسه ۱۴۰۳۱۱۴۴۲۶۰۰۰۰۱۵۲ آقای خانم راحله زریبی به ش.ش ۳۹۵۰۸۷۸۳۹۴ به ش.م ۳۹۵۰۸۷۸۳۹۴ صادره فرزند محمد در سه دانگ از ششدانگ یک قطعه باغ به مساحت ۹۸۵/۱۵ مترمربع قسمتی از پلاک ۳۳۳ فرعی از ۴-اصلی بخش ۲ نهاوند قرار دارد. انتقالی از مالک رسمی ملک (سند مالکیت مشاعی) محرز گردیده است که حقوق ارتفاقی آن با حفایه طبق قانون مقررات توزیع عادلانه آب از نهر شعبان می باشد. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت ده ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۶/۸ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۶/۲۴
م الف ۲۹۱۳۶
حمیدرضا حجتی- رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان نهاوند

## هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
-برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۲۶۰۰۵۰۰۹۵۱۱ مورخه ۱۴۰۴/۶/۲۶ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی ملک نهاوند تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی پرونده کلاسه ۱۴۰۳۱۱۴۴۲۶۰۰۰۰۱۱۳۵ آقای آقای بابامراد ولی اللهی به ش.ش ۴۷۲ و به ش.م ۳۹۶۰۸۷۰۴۷۷ صادره فرزند مراد در شدانگ یک قطعه زمین کشاورزی دیمزار به مساحت ۷۷۰۸/۹۳ مترمربع قسمتی از پلاک ۲۷- اصلی بخش ۲ نهاوند روستای فامسلب قرار دارد. انتقالی از مالک رسمی ملک (سند مالکیت مشاعی) محرز گردیده است که حقوق ارتفاقی ندارد.
-برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۲۶۰۰۵۰۰۹۵۱۲ مورخه ۱۴۰۴/۶/۲۶ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی ملک نهاوند تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی پرونده کلاسه ۱۴۰۳۱۱۴۴۲۶۰۰۰۰۱۱۳۵ آقای آقای بابامراد ولی اللهی به ش.ش ۴۷۲ و به ش.م ۳۹۶۰۸۷۰۴۷۷ صادره فرزند مراد در شدانگ یک قطعه زمین کشاورزی دیمزار به مساحت ۷۷۰۸/۹۳ مترمربع قسمتی از پلاک ۲۷- اصلی بخش ۲ نهاوند روستای فامسلب قرار دارد. انتقالی از مالک رسمی ملک (سند مالکیت مشاعی) محرز گردیده است که حقوق ارتفاقی ندارد.
-برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۲۶۰۰۵۰۰۹۵۱۳ مورخه ۱۴۰۴/۶/۲۶ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی ملک نهاوند تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی پرونده کلاسه ۱۴۰۳۱۱۴۴۲۶۰۰۰۰۱۱۳۵ آقای آقای بابامراد ولی اللهی به ش.ش ۴۷۲ و به ش.م ۳۹۶۰۸۷۰۴۷۷ صادره فرزند مراد در شدانگ یک قطعه زمین کشاورزی دیمزار به مساحت ۷۷۰۸/۹۳ مترمربع قسمتی از پلاک ۲۷- اصلی بخش ۲ نهاوند روستای فامسلب قرار دارد. انتقالی از مالک رسمی ملک (سند مالکیت مشاعی) محرز گردیده است که حقوق ارتفاقی ندارد.
-برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۲۶۰۰۵۰۰۹۵۱۴ مورخه ۱۴۰۴/۶/۲۶ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی ملک نهاوند تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی پرونده کلاسه ۱۴۰۳۱۱۴۴۲۶۰۰۰۰۱۱۳۵ آقای آقای بابامراد ولی اللهی به ش.ش ۴۷۲ و به ش.م ۳۹۶۰۸۷۰۴۷۷ صادره فرزند مراد در شدانگ یک قطعه زمین کشاورزی دیمزار به مساحت ۷۷۰۸/۹۳ مترمربع قسمتی از پلاک ۲۷- اصلی بخش ۲ نهاوند روستای فامسلب قرار دارد. انتقالی از مالک رسمی ملک (سند مالکیت مشاعی) محرز گردیده است که حقوق ارتفاقی ندارد.
-برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۲۶۰۰۵۰۰۹۵۱۵ مورخه ۱۴۰۴/۶/۲۶ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی ملک نهاوند تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی پرونده کلاسه ۱۴۰۳۱۱۴۴۲۶۰۰۰۰۱۱۳۵ آقای آقای بابامراد ولی اللهی به ش.ش ۴۷۲ و به ش.م ۳۹۶۰۸۷۰۴۷۷ صادره فرزند مراد در شدانگ یک قطعه باغ گردو به مساحت ۴۴۵/۹۶ مترمربع قسمتی از پلاک ۲۷- اصلی بخش ۲ نهاوند روستای فامسلب قرار دارد. انتقالی از مالک رسمی ملک (سند مالکیت مشاعی) محرز گردیده است که حقوق ارتفاقی ندارد.
-برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۲۶۰۰۵۰۰۹۵۱۱ مورخه ۱۴۰۴/۶/۲۶ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی ملک نهاوند تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی پرونده کلاسه ۱۴۰۳۱۱۴۴۲۶۰۰۰۰۱۱۳۵ آقای آقای بابامراد ولی اللهی به ش.ش ۴۷۲ و به ش.م ۳۹۶۰۸۷۰۴۷۷ صادره فرزند مراد در شدانگ یک قطعه باغ گردو به مساحت ۷۷۰۸/۹۳ مترمربع قسمتی از پلاک ۲۷- اصلی بخش ۲ نهاوند روستای فامسلب قرار دارد. انتقالی از مالک رسمی ملک (سند مالکیت مشاعی) محرز گردیده است که حقوق ارتفاقی ندارد.
-برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۲۶۰۰۵۰۰۹۵۱۲ مورخه ۱۴۰۴/۶/۲۶ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی ملک نهاوند تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی پرونده کلاسه ۱۴۰۳۱۱۴۴۲۶۰۰۰۰۱۱۳۵ آقای آقای بابامراد ولی اللهی به ش.ش ۴۷۲ و به ش.م ۳۹۶۰۸۷۰۴۷۷ صادره فرزند مراد در شدانگ یک قطعه باغ گردو به مساحت ۷۷۰۸/۹۳ مترمربع قسمتی از پلاک ۲۷- اصلی بخش ۲ نهاوند روستای فامسلب قرار دارد. انتقالی از مالک رسمی ملک (سند مالکیت مشاعی) محرز گردیده است که حقوق ارتفاقی ندارد.
-برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۲۶۰۰۵۰۰۹۵۱۳ مورخه ۱۴۰۴/۶/۲۶ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی ملک نهاوند تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی پرونده کلاسه ۱۴۰۳۱۱۴۴۲۶۰۰۰۰۱۱۳۵ آقای آقای بابامراد ولی اللهی به ش.ش ۴۷۲ و به ش.م ۳۹۶۰۸۷۰۴۷۷ صادره فرزند مراد در شدانگ یک قطعه باغ گردو به مساحت ۷۷۰۸/۹۳ مترمربع قسمتی از پلاک ۲۷- اصلی بخش ۲ نهاوند روستای فامسلب قرار دارد. انتقالی از مالک رسمی ملک (سند مالکیت مشاعی) محرز گردیده است که حقوق ارتفاقی ندارد.
-برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۲۶۰۰۵۰۰۹۵۱۴ مورخه ۱۴۰۴/۶/۲۶ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختم